



## نسبت عدالت فردی و اجتماعی / شروط تحقق عدالت اجتماعی در اسلام

اسلام بینشی کلی و جامع درباره هستی و زندگی و انسان دارد که همه فروغ و تفصیلات بدان برمی گردد و همه نظریات و قوانین و حدود و عبادات و معاملات آن از این بینش و جامع سرچشمه می گیرد و مسائل تازه را هم با نظر بدوی زودگذر نمی نگرد و مشکلی را بدون در نظر گرفتن مشکلات دیگر، اصلاح و حل نمی کند.

اسلام بینشی کلی و جامع درباره هستی و زندگی و انسان دارد که همه فروغ و تفصیلات بدان برمی گردد و همه نظریات و قوانین و حدود و عبادات و معاملات آن از این بینش و جامع سرچشمه می گیرد و مسائل تازه را هم با نظر بدوی زودگذر نمی نگرد و مشکلی را بدون در نظر گرفتن مشکلات دیگر، اصلاح و حل نمی کند.

### مفهوم عدالت اجتماعی از منظر اسلام

"عدل" را در لغت به تقویم، تسویه، موازنه، استقامت، نظیر و مثل معنی کرده‌اند و آنرا ضد ظلم و جور دانسته‌اند. البته عدل از آن دسته واژگانی است که معانی متقابل دارد؛ هم دلالت بر استواء، اذن و همانندی می تواند داشته باشد و هم اعوجاج و انحراف. معانی یادشده نیز همگی به همین معانی استواء و یا اعوجاج باز می گردند. عدل در قضاوت یعنی حکم بالاستواء، یعنی به دور از انحراف و تمایل به یکی از دو طرف. فردی را عادل می گویند که پسندیده و دارای راه و روشی مستقیم، متعادل و به دور از انحراف باشد.

عدالت اجتماعی با عدالت افراد متفاوت است و جامعه با تحقق ویژگیهایی در روابط و نهادهای خود، می تواند به چنین کمالی دست یابد. حال، سخن در این است که در کدام یک از حوزه‌های روابط اجتماعی و چگونه این کمال جلوه می کند؟

عدالت در رفتار هر فرد جامعه با افراد دیگر و در رفتار حکومت و قوانین و برنامه‌های اجتماعی با افراد جامعه، همچنین در قراردادها و رسوم اجتماعی حاکم بر روابط افراد بروز می یابد. در همه این موارد، عدالت با یکسانی رفتار در شرایط همانند، تحقق می یابد و در فرض تفاوت شرایط، تناسب رفتار، با توجه به توانایی، استحقاق و نیازها لازم است. این شرایط زمانی محقق می شود که افراد جامعه به دور از تعصبات و تبعیض‌ها و براساس ملاحظات انسانی و عقلایی، روابط اقتصادی جامعه را براساس عدالت شکل دهند.

اسلام یک بینش کلی و جامع در باره هستی و زندگی و انسان دارد که همه فروغ و تفصیلات بدان برمی گردد و همه نظریات و قوانین و حدود و عبادات و معاملات آن از این بینش و جامع سرچشمه می گیرد و مسائل تازه را هم با نظر بدوی زودگذر نمی نگرد و مشکلی را بدون در نظر گرفتن مشکلات دیگر، اصلاح و حل نمی کند.

اسلام در تحقق عدالت اجتماعی با دو اصل بزرگ: 1- وحدت همه جانبه متناسب و متعادل 2- تکامل و تضامن عمومی بین افراد و اجتماعات پیش می رود. البته عناصر اساسی فطرت انسانی را نیز در نظر داشته و طاقت و نیروی بشری را از نظر دور نموده است.

در نظر اسلام عدالت عبارت از یک مساوات بزرگ انسانی است که تعادل همه ارزشها از جمله ارزش اقتصادی را در نظر دارد و این مساوات، غرایز را آزاد گذاشته که در حدودی که با هدفهای عالی زندگی معارضه نکند به کار پردازد. اسلام هماهنگی امکانات و عدالت عمومی را به عنوان منبع اصلی فعالیت مقرر داشته و ضمناً راه را برای تفوق بر یکدیگر با کار و کوشش باز گذاشته است. چنانکه برای سنجش، ارزشهای دیگری غیر از ارزشهای اقتصادی به کار برده است.

«حتمی است که گرمی ترین شما در برابر خداوند پرهیزگار تزیین شماست». «خداوند مومنین و دانشمندان را به درجاتی بالا برد». بر اساس قرآن کریم توحید، معاد، نبوت، آرمانهای فردی و اجتماعی و ... همه بر محور عدل استوار شده است. عدل قرآن، همدوش توحید، رکن معاد، هدف تشریع نبوت، فلسفه زعامت و امامت معیار کمال فرد و مقیاس سلامت اجتماع است.

عدالت ارزش ذاتی دارد و سلامت همه چیز به آن است. از این روست که خداوند فرمان می دهد که بر پا کننده قسط و عدالت اجتماعی باشید. «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط» ای کسانی که ایمان آورده اید پیوسته به عدالت قیام کنید. مفسر بزرگ قرآن، طبرسی، در ذیل این آیه و در معنای آن می نویسد "یعنی پیوسته بر پا دارندگان عدالت باشید، و معنای این سخن آن است که باید عادات و سنت شما برپاداشتن عدالت در گفتار و کردار باشد."

خداوند بر پا داشتن عدالت همه جانبه و همیشگی فرمان داده است: قیام برای عدالت در همه وجوه آن و به طور پیوسته عدالت اجتماعی، عدالتی است فراگیر و در این بحث نیست مراد از اصل عدالت اجتماعی، عدالتی است فراگیر که کلیه وجوه اجتماعی، خانوادگی، فرهنگی سیاسی و اقتصادی را در بر می گیرد خداوند به چنین عدالتی فراخوانده که این عدالت راه نجات و سعادت بشر است و خداوند فرموده است «و اقسطو ان الله یحب المقسطین» و به داد بکشید که خداوند داد گران را دوست می دارد. بی گمان کسانی می توانند مصداق این محبت الهی باشند که برای او قیام کنند و عدالت خواهی شان از سر حق باشد. همچنین بعثت پیامبران برای تحقق عدالت است چنانکه خداوند به داوود (ع) فرمود: «یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق» ای داوود ما تو را در زمین خلیفه و جانشین گردانیدیم پس میان مردمان به حق داوری کن و همچنین فرمود: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط» به راستی پیامبران را با دلایل روشن روانه کردیم و با آنان کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردمان به دادگری برخیزند.

بدون اجرای عدالت، دین و احکام آن بی جان است. روشنی اسلام به عدالت است. و با خاموش شدن عدالت، اسلام چون چراغی خواهد بود خاموش که با آن راه نمی توان یافت و مردمان را به سامان نمی توان رساند زیرا عدالت است که جامعه و مردمان را به صلاح و سامان می رساند. رسول اکرم(ص) می فرماید: «عدل ساعه خیر من عبادة سبعین سنة قیام لیلها و صیام نهارها». ساعتی اجرای عدالت از هفتاد سال عبادتی که شبهایش به نماز شب و روزهایش به روزه بگذرد برتر و بهتر است.

### عدالت اجتماعی از منظر علوی

با توجه به قداست عدالت و بعثت پیامبران الهی بخاطر آن بدیهی است شخصیتی مانند علی(ع) که شارح و مفسر قرآن کریم و تبیین کننده اصول و فروع اسلام است نمی تواند درباره این مسئله سکوت نموده و یا در درجه کمتری از اهمیت آن را قرار دهد. شخصیتی که نامش قرین عدالت بوده و نه تنها امام معصوم شیعیان است بلکه در تاریخ بشریت به عنوان یک متفکر اندیشمند و سیاستمدار خدا محور مطرح بوده است.

امام علی(ع) فرمود: «عدالت الفت زندگی و تنها راه اصلاح جامعه و گل سرسبد ایمان به خدا و گنجینه فضیلت و احسان است.» فلسفه حکومت دین عدالت است. در حکومت دین نه ستمگران مجوز رهبری دارند و نه حاکمیت های ظالمانه مشروعیت حقوقی. عدالت خواهی و قیام برای تحقق عدالت یک تعهد الهی و تکلیف شرعی است. امام علی(ع) فرمود: «سرچشمه های عدل در فروغ کلمات قرآن کریم و برکه ها و آبشخورهای پربرکت هدالت در آیه های نورانی آن است.

### عوامل تحقق عدالت از نظر امام علی(ع)

اولین گام در تحقق عدالت رهایی از ناهماهنگیهای درون است. حضرت علی(ع) می فرماید: «فکان اول عدله نهی الهوی عن النفسه»؛ اولین گام در عدالت زدودن هواهای نفسانی خویش است. «امیر مومنان(ع) مجموعه عواملی را که در تحقق عدالت موثر است در سه جمله خلاصه کرده است: «استعن علی العدل بحسن النیت فی الرعیه و قلة الطمع و كثرة الورع»؛ نیت خیر داشتن و خوش بینی نسبت به مردم عدم طمع و تقوا پیشگی از عوامل عدالت است.

### موانع اجرای عدالت از نظر امام علی(ع)

خودبرتربینی و امتیاز جویی علت همه ستمگری ها و عدالت گریزی هاست. خصیصه خودخواهی که از غرائز بسیار قوی در نهاد انسان است به صورت های گوناگون در رفتار و کردار انسان بروز می کند. علی(ع) می فرماید: «من ملک استاثر»؛ هر که به قدرت برسد انحصار طلب می شود. امام علی(ع) در تذکرات خود به مالک اشتر می فرماید: «بپرهیز از اینکه چیزی را به خود اختصاص دهی که بهره مردم از آن یکسان است».

از علل دیگری که در اثر امتیاز طلبی گریبانگیر انسان می شود سود جویی است. عبدالله ابن زمعه از شیعیان راه طولانی را طی کرد و به امید سودی نزد علی(ع) آمد. حضرت فرمود: «این مال نه از مال من است و نه از آن تو است بلکه ذیره مسلمانان است و دستاورد شمشیرهای آنان. اگر در جنگ همراه آنان بوده ای تو نیز برابر آنان سهمی داری وگرنه دستاورد و دسترنج آنان به دهان دیگران نخواهد رفت».

### از دیگر موانع اجرای عدالت، ضعف نفس و سستی اراده، خودباختگی و دون همتی است

حضرت فرمود: «هرکس مبارزه با ستم را واگذارد خداوند جامه خواری به او بپوشاند و حق از او روی گردان شود و به خواری محکوم و از انصاف محروم گردد». امام علی(ع) در برقراری حکومت عدل خویش دو اقدام انقلابی انجام داد که در نتیجه آن چهره بسیاری از کسانی که به ظاهر خود را یار اسلام و پیامبر معرفی کرده بودند نمایان شد اول اینکه اموال غاصبان را مصادره و باز پس گرفتند دوم اجرای عدالت در بهره مندی مساوی از بیت المال برای خود و سایر اقشار و کسانی که خود را خواص معرفی کرده بودند. این عدالت منحصر به فرد امام علی(ع) مصداقی است برای متفکرانی که در باب عدالت و عدالت اجتماعی صاحب نظرند.